




Irano-Islamic Research in Politics, Vol.1, No4, 243-265.

 [20.1001.1.28212088.1401.1.4.10.6](https://doi.org/10.28212/2088.1401.1.4.10.6)

Examining the nature and consequences of Islamic Resistance Front's discourse in the Middle East¹

Javad Bostanafroz²

Hamed mohagheghnia³

Ruhollah Shahabi⁴

Freydoon Akbarzadeh⁵

Abstract

Among the movements that are trying nowadays to have an impressive effect in the Middle East developments, can refer to the Islamic Resistance Front. This movement has been effective in the context of Middle East and international system's political, social developments in the last few decades, meanwhile was able to be widely discussed with the inspiration and modeling of the Islamic Revolution discourse. Accordingly, the discourse of the Islamic Resistance Front has been able to develop a more serious confrontation in a growing power with the domination system through the support of Islamic Revolution of Iran, so that it can be said that this confrontation with the domination system in countries such as Iraq, Syria, Lebanon, Palestine and Yemen has been led to a change in the challenges and the defeat of arrogant hegemony in the region. Considering the trend of global and regional developments after Islamic Revolution's victory and the spread of resistance act against the forces of anti-domineering, as well as the lack of available researches in this article has been tried to use Laclau and mouffe theory in an analytical-descriptive method and discourse analysis technique to response the question of how to explain the discourse of resistance and its consequences in the Middle East. The findings of this research indicate that the signs classified in the discourse of resistance can be classified into two categories. The first part is negative (negation) factors and the second one is affirmative (positivity) factors. The anti-dominance exists in the center of resistance discourse's negativity dimension, namely, negating domination and anti-dominance are the most important sign of negativity. But the most important affirmative forms of the resistance discourse, which are at the center of it, are some concepts like seeking justice, seeking rights, pacifism, dignity, authority, spiritualism and pragmatism.

Keywords: *discourse, resistance front, Islamic revolution, Middle East*

¹ . Received, 2022/11/15; Accepted, 2023/01/14; Printed, 2023/03/06

² PhD Student of Political Sciences. Ahvaz Branch. Islamic Azad University. Ahvaz. Iran javadafroz.43@gmail.com

³ Assistant Professor of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran (Corresponding Author) mohagheghnia7877@gmail.com

⁴ Assistant Professor of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran shahabi89@hotmail.com

⁵ . Assistant Professor of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran akbarzadeh.f4675@gmail.com



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سیاست پژوهی اسلامی ایرانی، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱، ۲۴۳-۲۶۵.

بررسی چستی و پیامدهای گفتمان جبهه مقاومت اسلامی در خاورمیانه^۱

جواد بوستان افروز^۲

حامد محقق‌نیا^۳

روح‌اله شهبانی^۴

فریدون اکبرزاده^۵

چکیده

از جنبش‌هایی که امروزه در تلاش است که در تحولات منطقه خاورمیانه تأثیرات مؤثری داشته باشد جبهه مقاومت اسلامی است. این جنبش در چند دهه اخیر در متن تحولات منطقه خاورمیانه و نظام بین‌الملل اثرگذار بوده و توانسته با الهام‌گیری از گفتمان انقلاب اسلامی به‌طور گسترده مطرح گردد. بر این اساس گفتمان جبهه مقاومت با قدرتی فزاینده توانسته تقابل جدی‌تری با نظام سلطه ایجاد کند. به‌طوری‌که می‌توان گفت مقابله با نظام سلطه در کشورهایمانند عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و یمن منجر به تغییر چالش‌ها و شکست هم‌مونی استکبار در منطقه شده است. با توجه به روند تحولات جهانی و منطقه‌ای، در این مقاله سعی شده است در پاسخ به پرسش چگونگی تبیین گفتمان مقاومت و پیامدهای آن در خاورمیانه از نظریه لاکلا و موف با روش تحلیلی - توصیفی و شیوه تحلیل گفتمان استفاده نماید. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که می‌توان نشانه‌هایی را که در گفتمان مقاومت طبقه‌بندی شده‌اند، به دو دسته طبقه‌بندی کرد؛ بخش اول عوامل سلبی (نفی) و بخش دوم عوامل ایجابی (اثباتی) هستند. در مرکز بعد سلبی گفتمان مقاومت سلطه‌ستیزی قرار دارد؛ یعنی مهم‌ترین نشانه سلبی نفی سلطه و سلطه‌ستیزی است. اما مهم‌ترین وجوه اثباتی گفتمان مقاومت، مفاهیم عدالت‌خواهی، حق‌طلبی، صلح‌طلبی، عزت‌طلبی، اقتدار، معنویت‌گرایی و مصلحت‌گرایی است.

واژگان کلیدی: گفتمان، جبهه مقاومت، انقلاب اسلامی، خاورمیانه

-
۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۲۴؛ تاریخ پذیرش، ۱۴۰۱/۱۰/۲۴؛ تاریخ چاپ، ۱۴۰۱/۱۲/۱۵
 ۲. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران
javadafroz.43@gmail.com
 ۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز (نویسنده مسئول)
mohagheghnia7877@gmail.com
 ۴. استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز
shahabi89@hotmail.com
 ۵. استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز
akbarzadeh.f4675@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

خاورمیانه از دیرباز به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و دارا بودن ذخایر انرژی و حوزه‌های تمدنی و ایدئولوژیکی، محل تلاقی منافع و منازعه میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بوده است. از جنگ جهانی دوم تاکنون، منطقه خاورمیانه و خلیج فارس چندین تحول مهم را پشت سر گذاشته است که نقاط عطفی در تاریخ تحولات این منطقه به شمار می‌آیند.

از جمله این موارد می‌توان به انقلاب اسلامی در ایران، فروپاشی شوروی، جنگ دوم خلیج فارس، حوادث ۱۱ سپتامبر و نیز رخداد‌های سال‌های اخیر در جوامع عربی اشاره کرد؛ در واقع مهم‌ترین منازعات که تأثیر زیادی بر ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه داشته و توانسته معادلات منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار دهد و بر راهبرد بازیگران درگیر در معادلات خاورمیانه تأثیر بگذارد، رخداد‌های سال‌های اخیر در جوامع عربی است که با موجی از اعتراضات از سال ۲۰۱۱ در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در یک مجموعه شرایط مشترک یعنی رژیم‌های استبدادی، فقدان نهادهای نمایندگی، نابرابری، فساد، توزیع ناعادلانه منابع اقتصادی و بهره‌برداری از منابع عمومی توسط طبقات حاکم، شروع شد که تظاهرکنندگان خواستار دموکراسی، آزادی، حاکمیت قانون و عدالت بودند» (کاووسی، ۱۳۹۵، ۴).

این وضعیت باعث به وجود آوردن یک خلأ در منطقه‌ی خاورمیانه گردید. ایران که دارای اشتراکات بسیاری از لحاظ فرهنگی، مذهبی و اقتصادی با کشورهای منطقه است و یکی از کشورهای مهم منطقه محسوب می‌شود یکی از هدف‌های سیاست خود را تلاش برای فراهم کردن همگرایی در بین کشورهای خاور منطقه قرار داده است. به همین دلیل به راهبردهایی همچون تقویت مناسبات فرهنگی، اقتصادی و دینی، محدود کردن نفوذ قدرت‌های استکباری و دیگر ترتیبات جمعی متوسل شد (اردکانی و راستین‌دل، ۱۳۹۶، ۱۴۷) ولی اکثر کشورهای منطقه از جمله دولت‌های خلیج فارس به‌ویژه و عربستان نسبت به اقدامات ج.ا.عکس‌العمل منفی نشان دادند یا نسبت به این اقدامات خوش‌بین نبودند.

درحالی که هدف بازیگران دسته اول مقابله با نفوذ و دخالت‌های آمریکا و متحدانش در منطقه، مخالفت با توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی، مبارزه با افراطی‌گری مذهبی، به‌ویژه خشونت‌های گروه‌های تروریستی و در رأس آن داعش و تا حدی گرایش به روسیه و چین به منظور ایجاد توازن قوا بود (زینیوند، ۱۳۹۵، ۱۲۴-۱۴۵)، در این میان، سیاست اصلی دولت‌های وابسته عرب محور دوم، گرایش به غرب، به‌ویژه آمریکا، مرادده پنهانی یا آشکار با اسرائیل، ترویج اسلام افراطی یا اخوانی و حمایت پنهان یا پیدا از گروه‌های تروریستی درگیر جنگ با سوریه با عراق بود (عرب‌جونقانی، ۱۳۹۶، ۳۸-۸۲).

کشور ترکیه پس از حزب عدالت و توسعه از یک طرف خواهان حرکت به سمت دموکراسی با هدف هماهنگی با معیارهای اتحادیه اروپا بود و از طرف دیگر به دلیل گرایشات مذهبی و تاریخی حزب حاکم، درصدد ایجاد نوعی هماهنگی در سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای خود جهت نزدیک شدن به کشورهای مسلمان منطقه بود. ترکیه خواهان ایجاد تعادل میان ابعاد جهانی از یک سو و تعمیق روابط با کشورهای خاورمیانه از طرف دیگر بود و این تمایل همچنان نیز ادامه دارد (شریفی و دارایی منش، ۱۳۹۲، ۱۳۲-۱۳۳).

حال این پرسش مطرح می‌شود گفت‌وگو با جبهه مقاومت چگونه تبیین می‌شود و پیامدهای سیاسی آن در خاورمیانه کدام‌اند؟

گفت‌وگو با جبهه مقاومت از جمله موضوعاتی است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم به‌عنوان یک برنامه کلی حرکت، مطرح و توجه ویژه‌ای به آن دارند. هدف اصلی از این پژوهش؛ تبیین جامعه‌شناختی گفت‌وگو با جبهه مقاومت و پیامدهای اجتماعی سیاسی آن در خاورمیانه است.

منطقه خاورمیانه بیش از هر چیز بیانگر منازعه و بحران است. نگاه به گذشته این منطقه حاکی از وضعیت امنیتی اسفبار است. وقوع دو جنگ جهانی، جنگ‌های گسترده میان اعراب و اسرائیل، سه جنگ عظیم در خلیج

فارس، جنگ‌های داخلی متعدد، شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی-اسلامی و در نهایت رشد بنیادگرایی اسلامی باعث شده تا منطقه خاورمیانه نمادی از جنگ و خون‌ریزی باشد. این پژوهش به دنبال این سؤال است که پیامدهای گفتمان مقاومت در منطقه کدام است؟ به عبارت دیگر تبعات سیاسی آن را مورد بررسی و تحقیق قرار خواهد داد.

پیشینه تحقیق:

صالح اصفهانی و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «الگوی جبهه مقاومت از دیدگاه امام خامنه‌ای» به نگرش درآورده‌اند. بر اساس و منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی جبهه مقاومت در ابعاد و مؤلفه‌های ارکان (دولت‌ها، رهبران، ملت‌ها، وحدت و...) مبانی و جهت سازها اندیشه، ارمان، مکتب، اصول و عوامل پیش‌برنده (آمدگی دفاعی، توان، استحکام درونی و...)، چالش و موانع (نفوذ، نابسامانی داخلی، نفاق، استکبار و استبداد و...) اهداف مقاومت (رهبری‌سازی، دولت‌سازی و...) دستیابی به استقلال و عزت دولت‌ها و ملت‌ها جبهه مقاومت، بازدارندگی، اعتمادسازی و کاهش حضور نظامی سلطه در کشورهای محور مقاومت و در نهایت پیروزی مقاومت را تسهیل می‌کند.

ناظمی و خالدیان (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام» به نگرش درآورده‌اند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که هویت ملی و ایدئولوژی اسلام سیاسی و اعتقاد دینی اصلی‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی مقاومت هستند که در ایجاد، استمرار و تقویت گفتمان مقاومت اسلامی در منطقه خاورمیانه و همچنین پیروزی بر گفتمان‌های غربی و یا بنیادگر نقش مهمی دارند و غفلت از هرکدام از این مؤلفه‌ها باعث می‌شود تا گفتمان جبهه مقاومت از سوی گفتمان‌های معاند به چالش کشیده شود.

مرادی و شهرام‌نیا (۱۳۹۷)، مطالعه‌ای با عنوان «بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران» انجام دادند. یافته‌های این پژوهش بر این

دلالت می‌کنند که با تداوم یافتن بحران سوریه، امنیت منطقه ایران با تهدیداتی از جنس؛ تضعیف محور مقاومت، شکل‌گیری منازعات گفتمانی و تشدید تنش‌های فرقه‌ای و مذهبی، برهم‌زدن ساختار قدرت و موازنه قوا و بالاگرفتن رقابت تسلیحاتی در منطقه مواجه خواهد شد. تمهیدات تئوریک پژوهش نیز برگرفته از نظریات اندیشمندان «مکتب کپنهاگ» پیرامون امنیت منطقه‌ای است. در این پژوهش در مورد گفتمان اسلام سیاسی مطلبی بیان نشده و از این منظر دارای تفاوت با پژوهش حال حاضر است.

قاسمی (۱۳۹۷)، مطالعه‌ای تحت عنوان ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی انجام داد. یافته‌ها نشان می‌دهد، مقاومت مردمی منطقه، علاوه بر تهدید برای دولت‌های محافظه‌کار و غیردموکراتیک منطقه، تهدیدی برای غرب و آمریکا به شمار می‌رود. علاوه بر آن مقاومت مردم منطقه و الگوی گفتمانی انقلاب اسلامی، موجب تقویت جایگاه مردم‌سالاری دینی و گفتمان اسلامی انقلابی (انقلاب اسلامی ایران) شده و همواره فرصتی در راستای افزایش امنیت انقلاب اسلامی ایران و تقویت و گسترش ژئوپلیتیک محور مقاومت اسلامی خواهد بود. گزاره‌های عینی و نمونه‌هایی از تغییرات و فرصت‌های ایجادشده در منطقه، نشان از تأثیر الگوی انقلاب اسلامی دارد و خود بستری برای تقویت جایگاه گفتمان اسلام انقلابی و نقش مردم را در آینده فراهم خواهد نمود. آنچه در این گزاره آمد، صدور انقلاب اسلامی و دستیابی به آرمان‌های انقلاب، موجب تأثیرگذاری و توسعه و تقویت مقاومت شده است و در مورد گفتمان اسلام سیاسی و دال مرکزی آن مطلبی بیان نشده و از این منظر دارای تفاوت با پژوهش حال حاضر است.

چارچوب نظری

در دوران جدید که همه پدیده‌های اجتماعی به نوعی هویت فرهنگی دارند، طبیعی است که نظریات گفتمانی در تحلیل پدیده‌های اجتماعی از قابلیت و رجحان بیشتری نسبت به سایر رویکردها برخوردارند. تحلیل گفتمان به دلیل اینکه چارچوب نظری و روشی منسجم و مناسبی را برای

توصیف و تحلیل ساختار نظام‌های اندیشه‌ای و فرهنگی ارائه می‌دهد و به دلیل اینکه بدون انکار جنبه عینی پدیده‌های اجتماعی، آن‌ها را خارج از گفتمان قابل درک نمی‌داند، برای بررسی پدیده‌هایی که صبغه فرهنگی - هویتی و اندیشه‌ای دارند بسیار قابلیت دارد. با استفاده از تحلیل گفتمان که سعی در معنا پژوهشی دارد، بهتر از سایر رویکردها به عمق و ژرفای پدیده‌های هویتی و فرهنگی دست یافت. البته این به منزله این نیست که تحلیل گفتمان جایگزین برای سایر رویکردهاست، بلکه به این معناست که می‌شود جوابی از پدیده‌های اجتماعی را که از نگاه سایر رویکردها پنهان است بر ما آشکار و هویدا کند (شجاعی و قجری ۱۳۸۷، ۶۹).

گفتمان^۱ در طول زمان و توسط محققان در رشته‌های مختلف با معانی متفاوت ولی نزدیک به هم به کار برده شده است (یارمحمدی، ۱۳۹۱، ۱). گفتمان را می‌توان آفریننده معنا و ارتباطات اجتماعی تلقی کرد؛ شکل‌دهنده ذهنیت، روابط سیاسی و نیز روابط قدرت است. هر فعالیتی در قالب تعاملات فرهنگی که به تبادل معنا بینجامد، نوعی گفتمان است. گفتمان اصطلاحی است که «آنتونیو گرامشی»^۲ نظریه‌پرداز بزرگ مارکسیست و پل میشل فوکو،^۳ فیلسوف اجتماعی فرانسوی به‌طور مبرهن آن به کار برده‌اند (مطهرنیا، ۱۳۸۲، ۲۷).

گفتمان علاوه بر اینکه به چیزهایی که می‌توانند گفته شوند یا درباره‌شان فکر شود ارتباط می‌یابد. همچنین به اینکه چه کسی، کی و با چه لحنی می‌تواند صحبت کند؛ می‌پردازد. گفتمان‌ها مجسم‌کننده معنا و ارتباطات اجتماعی هستند. گفتمان‌ها رفتارهایی هستند که سیستماتیک مباحثی را به وجود می‌آورند که خود گویای کلامی هستند. لذا تحلیل گفتمان بر این منظور است که به واسازی ساختارهای بدیهی پرداخته و نشان دهد سازماندهی جهان

1. Discourse

2. Antonio Gramsci

3. Paul Michel Foucault

حاصل فرایندی سیاسی است که پیامدهای اجتماعی به دنبال دارد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۲، ۹۲).

رویکردی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است رویکرد تحلیل گفتمان لاکلا و موف^۱ است؛ لاکلا و موف مفهوم گفتمان را از فوکو^۲ وام گرفته و از طریق واسازی^۳ سایر نظریه‌ها یعنی از طریق کسب و به کارگیری مفاهیمی از متفکران این حوزه، نظریه‌ی خود را تدوین و ارائه نموده‌اند. آنها نظریه‌ی خود را با تلفیق و حک و اصلاح دو سنت نظری عمده یعنی مارکسیسم و ساختارگرایی ساختند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۲، ۵۴).

لاکلا و موف، تفکیک میان زیربنا و روینا را کنار می‌گذارند و تمامی فراماسیون‌های اجتماعی را محصول فرایندهای گفتمانی به شمار می‌آورند. از نظر لاکلا و موف، گفتمان‌ها تنها دریچه شناخت انسان به سوی جهانند. هر گفتمان در چارچوب نظام معنایی خود همه چیز را مفهومی خاص می‌بخشد، مفهومی که مختص همان نظام معنایی است. از این رو، ممکن است یک فعل، سخن، نماد یا... در دو گفتمان متفاوت، معانی متفاوت یا حتی متضاد با یکدیگر داشته باشند (کسرایی و پوزش، ۱۳۸۸، ۳۴۲).

بر این اساس تحلیل گفتمان لاکلا و موف به‌عنوان چارچوب محوری که در مبانی نظری این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است در تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی نیز پذیرفته و استفاده شده است.

انقلاب اسلامی ایران، پدیده خاصی است که نظریه‌های انقلاب در تحلیل وقوع آن ناتوان بودند. به این دلیل نسل جدیدی از نظریه‌های انقلاب، به وجود آمد و نظریه‌پردازان مهمی چون «تدا اسکاچپول»^۴ نظریه خود درباره انقلاب‌ها را تغییر دادند. تداوم انقلاب اسلامی ایران و به تبع

1. Laclau and Mouffe

2. Paul Michel Foucault

3. deconstruction

4. Theda Skocpol

آینده سنجی آن نیز با نظریه‌های موجود قابل تحلیل نیست. بر این اساس «گفتمان مقاومت» نیز گفتمانی خاص انقلاب اسلامی است و باید آن را با معیارها و مبانی خود این انقلاب تحلیل و بررسی کرد. اصولاً در نظریه‌های سیاست و روابط بین‌الملل نظریه یا گفتمانی ذیل عنوان جبهه مقاومت اسلامی وجود ندارد. برخی از نظریه‌ها مانند نظریه وابستگی، بازگشت به خویشتن یا جهان سوم‌گرایی، ممکن است برخی وجوه مشترک با مقاومت داشته باشند اما قابل مقایسه با آن نیستند (قاسمی، ۱۳۹۲، ۱۰۸).

بر این اساس گفتمان جبهه مقاومت، از جمله گفتمان‌های زاده شده پس از انقلاب اسلامی است؛ که در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... مورد بررسی واقع شده است و مفاهیم ویژه آن با استکبارستیزی به عنوان دال مرکزی آن تبیین و در مواجهه با مفاهیم موجود خصوصاً مفاهیم مولد لیبرالیسم، تقابل کند.

این نوع از گفتمان از ابعاد مهم و اساس فرهنگی برخوردار است و در ادوار مختلف سعی بر نشان دادن آشتی بین دین و دنیا داشته است. گفتمان مقاومت بر این اعتقاد است که پاسخی شایسته برای نزاع تاریخی سنت و مدرنیته به وجود آورده است و با نگهداشت دغدغه‌های مذهبی جامعه، توسعه و پیشرفت را ایجاد خواهد نمود. لذا در همین نقطه می‌توان انشقاق گفتمان مقاومت اسلامی و بنیادگرایی^۱ را مشاهده نمود. از رویکرد بنیادگرایی، مدرنیته با دین ناسازگار بوده و نمی‌توان به‌طور هم‌زمان مدرنیته و زندگی مدرن را انتخاب کرد و دیندار هم بود. بنابراین باید در تلاش برای برافکندن بنیاد و بنیادهای مدرنیته، خصوصاً مظاهر مدرنیسم بود. از این رویکرد، اجتماع دین و مدرنیته امکان‌پذیر نیست؛ اما مقاومت اسلامی در برابر چنین دیدگاهی قد علم کرده و بر این استدلال است که می‌توان هم‌زمان مدرن و مسلمان بود (دبیری مهر، ۱۳۹۲، ۲۴۰).

با شکل‌گیری جبهه مقاومت در منطقه غرب آسیا با محوریت جمهوری اسلامی ایران، گسترش نظریه‌های انقلابی به وسیله صاحب‌نظران آن،

¹ Fundamentalism

گفتمان مقاومت اسلامی هم توسعه یافته است؛ تا آنجا که توانایی تقابل آن با دیگر گفتمان‌های متخاصم اسلام افزایش داشته و در پی آن است تا به‌عنوان ناجی شرایط نابسامان دولت‌ها و ملت‌ها خصوصاً ملت‌ها و دولت‌های جبهه مقاومت در منطقه غرب آسیا را تثبیت کند. چنانچه رهبر معظم انقلاب اسلامی در مقابل ظالمان و استکبار، توجه به جهاد را لازمه مقاومت در مقابل سلطه در همه ابعاد زندگی بیان می‌کند مهدی‌پور (۱۴۰۱).

روش پژوهش

با توجه به مسئله محوری پژوهش، مطالعه حاضر با رویکرد کیفی انجام می‌شود. تحقیق کیفی به مجموعه‌ای از فعالیت‌های معنا دار اشاره می‌کند که به منظور گسترش و فهم پدیده انجام می‌گردد بر این اساس، تحقیق کیفی مستلزم دقت و توجه کامل به پدیده‌هاست به اقتضای اهداف و پرسش‌های تحقیق، روش تحلیل گفتمان یکی از روش‌های معتبر کیفی است که به‌طور همه‌جانبه موضوع را مورد بررسی قرار داده و از جنبه‌های توصیفی و عللی به تبیین معانی می‌پردازد. چون در این تحقیق به مطالعه، توصیف و تحلیل آنچه هست نیز پرداخته می‌شود بنابراین این تحقیق از لحاظ روش اجرا از نوع «تحقیقات تحلیلی-توصیفی» است. جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات تحقیق نیز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و جستجو در اینترنت و پایگاه‌های اطلاعاتی، مجلات تخصصی و فصلنامه‌ها صورت گرفته است.

یافته‌های تحقیق

در این بخش به مهم‌ترین پیامدهای سیاسی جنبش‌های مقاومت در منطقه خاورمیانه طی سالیان اخیر پرداخته می‌شود:

انقلاب اسلامی ایران با اتکا به گفتمان اسلامی، علاوه بر نفی نظام سلطه به سرکردگی آمریکا، خود حامل یک جهان‌بینی نو بود که مورد توجه ملت‌ها واقع و موجبات ظهور و توسعه طیف‌های نوینی از مقاومت شد (شفیعی و مرادی، ۱۳۸۸، ۳۳). می‌توان چنین اذعان کرد انقلاب اسلامی سبب تضعیف

و کاهش هژمونی آمریکا شد؛ چراکه توسعه و پیشرفت بیداری اسلامی در خاورمیانه تحت لوای الگوی مبارزاتی ملت ایران در مقابل استکبار صورت گرفت. لازم به ذکر است نیروی سپاه قدس که از آن به‌عنوان شاخه برون‌مرزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران یاد می‌شود، به‌عنوان متولی بخشی از گفتمان و سیاست خارجی و انقلابی جمهوری اسلامی ایران در صدور انقلاب در غرب آسیا و شمال آفریقا (خضری و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۹۷). تحلیل محتوای سخنرانی‌های سردار شهید قاسم سلیمانی اثبات‌کننده این امر است. اما بی‌شک اهمیت به حاشیه راندن سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه در ردیف اهداف پایه‌ای و اصولی محور «عربی‌گری» در بحران‌های منطقه خاورمیانه است. به همان اندازه که جریان سلطه‌نگران نفوذ ایران در حیاط خلوت خاورمیانه‌ای خویش است کشورهای عربی نیز قدرت‌گیری ایران را به‌مثابه تراژدی تلخ تسلط غیر قابل برگشت و دشوار رهبری در ممالک عربی می‌دانند (kutay, 2022, 1013-1028). از این‌رو تأثیرات این حرکت را در حزب‌الله لبنان و جنبش مقاومت فلسطین می‌توان دنبال کرد؛ به این ترتیب که حزب‌الله لبنان یکی از اعضای قدرتمند محور مقاومت است که با هدف مبارزه با رژیم اسرائیل، محو آثار امپریالیسم و استعمار در لبنان و برقراری حکومت اسلامی در این کشور پدیدار شد. سیاست‌های حزب‌الله لبنان به‌عنوان یک ضلع حلقه مقاومت اسلامی همواره در جهت مقاربت و نزدیکی به سایر اعضای جبهه مقاومت اسلامی بوده است. هرچند تدابیر مستقل و ضد استکباری حزب‌الله باعث شده برخی کشورها مانند ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا و برخی از کشورهای منطقه این گروه را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دهند (قاسمی، ۱۳۸۹، ۶۸). جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله و رژیم اشغالگر اسرائیل در سال ۲۰۰۹ یکی از مواردی بود که در ترسیم ژئوپلیتیک خاورمیانه و ژئوپلیتیک شیعه بسیار مؤثر بوده است. این تقابل توازن قدرت در لبنان را به سود حزب‌الله لبنان و در منطقه حساس خاورمیانه به نفع محور خاورمیانه (ایران-سوریه، جهاد اسلامی و حماس) تغییر داد و پدیده‌ای به نام ژئوپلیتیک مقاومت را در ادبیات سیاسی منطقه وارد کرد. به‌طور اعم یکی از هدف‌های ایالت متحده آمریکا انحراف اذهان تصمیم‌گیرندگان کشورهای مسلمان منطقه با بزرگنمایی تهدید شیعیان از مسئله اسرائیل و ایجاد فضای

تنفسی جدید با مهار شیعیان و مقاومت در منطقه برای رژیم اشغالگر اسرائیل است. در فرهنگ گفتمانی حزب الله لبنان، احیای سیاسی ایدئولوژیک، وحدت گرایی میان مسلمانان اعم از شیعه و سنی و جهان شمولی برای آنچه مقابله با دشمنان خدا و اسلام مورد خوانده می شود مورد توجه است. حزب الله، یک گروه چریکی با توانایی های آفندی و پدافندی بالا و با روحیه ستودنی توانست بسیاری از سیاست های منطقه ای محور عربی- صهیونیستی را ناکام و به حالت انفعال درآورد. ایران به عنوان اتاق فکر و مرکز تصمیم گیری جریان مقاومت و پدر معنوی شیعیان به رقیبی سرسخت و قدرتمند در منطقه خاورمیانه، تبدیل به بازیگری چالش برانگیز برای رقیبان و دشمنان منطقه ای و بین المللی شده است.

از دیگر فعالیت های ضدسلطه جبهه مقاومت در منطقه خاورمیانه می توان به جنبش مقاومت فلسطین یعنی حماس اشاره کرد. حماس را می توان یکی از مهم ترین محورهای جبهه های مقاومت دانست؛ چراکه این جنبش همواره منافع یهود و در رأس آن منافع اسرائیل را به چالش کشیده است. ریشه های این جنبش به دو جنبش دوست؛ گروه اخوان المسلمین مصر و اخوان المسلمین اردن برمی گردد (براون و حمزوی، ۱۳۹۳، ۲۹۸).

رهبران حماس معتقدند که جهاد آنان علیه اشغال بیگانه قانونی است (میلتون ادواردز و هینچ کلیف، ۱۳۹۰، ۶۸). این جنبش تا حد زیادی خلأ جهادی مبارزات فلسطین در دهه ۹۰ را پوشش داده و از طریق عملیات استشهادی و جهادی خود، الگوی موفق از توان ملت فلسطین برای تأثیرگذاری در مسیر حوادث و تعیین آینده خویش در سایه تمسک به اسلام به نمایش گذاشت (غفاری هشتجین و صادقیان، ۱۳۹۱، ۵۶).

حماس همواره در مسیر مبارزه و مقاومت برای نجات فلسطین از رژیم اشغالگر و غاصب اسرائیل قرار داشته است. حفظ مقاومت مسلحانه علیه رژیم اشغالگر علاوه بر اینکه هدف محوری حماس به شمار می رود اصلی ترین. موجودیت این جنبش به مثابه نیروی مقاوم و آزادی بخش تلقی می شود. پیروزی حماس در جنگ های ۲۲ روزه، ۸ روزه و جنگ ۵۱ روزه در

برابر اسرائیل نمونه‌های بارزی از مقاومت جنبش حماس در برابر زیاده‌خواهی‌های نظام سلطه بوده است. حماس ارتباط نزدیکی با سایر اعضای محور مقاومت داشته و در درگیری‌هایی که با رژیم اسرائیل داشته همواره مورد حمایت مستقیم محور مقاومت قرار گرفته است. جبهه مقاومت تأثیرات عمده‌ای نیز در کشورهای منطقه داشته است و رویارویی جریان مقاومت به خوبی در مقابل نظام سلطه در کشورهایمانند سوریه، عراق و یمن قابل تبیین است

اما یکی از تقابل‌های اصلی و مستقیم محور مقاومت طی یک دهه گذشته کشور سوریه و جنگ داخلی آن است. سوریه از لحاظ موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی به‌عنوان مهم‌ترین کشور خاورمیانه نام برده شده است که در روند تحولات منطقه‌ای نقش مهمی داشته است (موسوی، ۱۳۹۰، ۲۳). سوریه به‌عنوان یکی از ستون‌های مستحکم جبهه مقاومت تنها کشور عربی است که هیچ‌گاه تسلیم سیاست‌های عربستان سعودی، اسرائیل و آمریکا در منطقه نشد. این کشور برای چند دهه به‌خصوص در دوره رقابت شدید ایدئولوژیکی راهبرد سیاست اعراب بوده است. سوریه در سراسر قرن بیستم برابر قدرت‌ها و گرایش‌های مخالف برگ برنده بود. هر گرایش سیاسی یا ایدئولوژیکی که در این کشور به پیروزی می‌رسید بی‌تردید بر صحنه سیاسی اعراب سلطه می‌یافت. (ایوب، محمد، ۸۵، ۱۳۹۴) این ویژگی ممتاز موجب شد به دنبال تحولات و انقلاب‌های عربی سال ۲۰۱۱ سوریه مورد توجه بازیگران مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گیرد این امر فشار بر دولت سوریه را برای کناره‌گیری بشار اسد از قدرت تشدید نمود. سوریه در چارچوب رژیم‌هایی می‌گنجد که با رویکرد گفتمان مقاومتی در چارچوب سیاست‌های همسو با ایران و حزب‌الله منافع آمریکا را بیش از اندازه به چالش می‌کشد. سوریه علاوه بر اهمیت راهبردی به دلیل ارتباط و اتحاد با جمهوری اسلامی در محاسبات منطقه‌ای و جهانی، اهمیت مضاعف پیدا کرده است. این کشور به منزله یکی از ستون‌های اصلی محور مقاومت، به خاطر مرز مشترکی که با اسرائیل دارد در معادلات راهبردی آمریکا در منطقه مانع بزرگی به شمار می‌آید (kim,2020,173-180).

پس از سوریه جبهه دیگری که محور مقاومت با سلطه تقابل جدی داشته است کشور عراق است. کشور عراق پس از سرنگونی صدام دیکتاتور و به وجود آمدن فضای سیاسی مناسب نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق هموار گردید. بیش از ۶۰ درصد از جمعیت عراق پیرو تشیع اثنی عشری هستند که این امر باعث نزدیکی دو ملت ایران و عراق به همدیگر از لحاظ اعتقادات دینی و همچنین فرهنگی شده است علاوه بر این تعداد زیادی از سران سیاسی فعلی کشور عراق در زمان دیکتاتور صدام حسین در ایران تبعید بودند. یکی از اصلی‌ترین نیروهای سیاسی در دوران پس از صدام شورای عالی انقلاب اسلامی عراق است که شبه‌نظامیان این شورا یعنی تیپ بدر از طرف ایران در جنگ تحمیلی ایران و عراق شرکت داشت. این نیروها در سال ۲۰۱۴ میلادی پس از سقوط موصل به دست نیروهای داعش در واکنش به فتوای مراجع عراق به ویژه فتوای جهادی آیت‌الله سیستانی تشکیل شد. هدف این نیروها کمک به ارتش و نیروهای امنیتی عراق برای پاسداری از مکان‌های مذهبی و نیز مقابله با اشغال و نفوذ استکبار جهانی است. عقیل حسینی رئیس بسیج عراق حشدالشعبی را ادامه بسیج ایران توصیف کرد همچنین حیدرالعبادی نخست‌وزیر وقت عراق در سپتامبر ۲۰۱۵ اعلام نمود حشدالشعبی بخشی از نیروهای حکومتی هستند و به این نیروها مشروعیت بخشید. تخمین زده می‌شود تعداد نیروهای حشدالشعبی ۱۲۰ هزار نفر باشند. حشدالشعبی مورد حمایت جمهوری اسلامی قرار دارد و از سلاح‌های ایرانی استفاده می‌کنند. حشدالشعبی هم‌اکنون به‌عنوان بخشی از جبهه مقاومت اسلامی در عراق ایفای نقش می‌کند و تأثیر زیادی در معادلات، تحولات، تصمیمات سیاسی مهم در حاکمیت عراق دارد.

آخرین تقابل سخت جبهه مقاومت و نظام سلطه را در کشور یمن شاهد هستیم. کشور یمن در جنوب غربی آسیا در انتهای جنوبی شبه‌جزیره عربستان واقع و از لحاظ موقعیت استراتژیکی و جغرافیایی یکی از کشورهای مهم خاورمیانه محسوب می‌شود. در سال ۲۰۱۱ در پی اعتراضات مردمی علی عبدالله صالح رئیس‌جمهور از قدرت برکنار گردید. جریان برگرفته از شیعیان زیدی یمن و متأثر از اندیشه‌های بدرالدین الحوثی بخش زیادی از رهبری انقلاب یمن را بر عهده داشت. این جریان که در گذشته در قالب تشکیلاتی

با عنوان «جوانان مؤمن» فعالیت می‌کرد، هم‌اکنون با نام جنبش انصارالله یمن به فعالیت خود در مبارزه با نفوذ و اشغال سلطه عربی، غربی مشارکت فعال دارد. جنبش انصارالله یمن بر اصل امامت و حکومت اسلامی متکی بر امام به‌عنوان یکی از اصول سیاسی و اندیشه اعتقادی زیدیه تأکید داشته و به امامت به‌عنوان یکی از اصول پنج‌گانه مذهب زیدی معتقد است. انصارالله برای برپایی حکومت جنگ و خونریزی را روانی‌داند، اما حق دفاع را برای خودش ثابت و در طول این سال‌ها هر بار که دولت دست به سلاح برده در جهت دفاع از خود در برابر تهاجم دولت بوده است. انصارالله یمن که بخشی از گفتمان جبهه مقاومت در خاورمیانه را نمایندگی می‌کند با حمایت معنوی و بعضاً مادی جمهوری اسلامی ایران علیه حکومت مورد حمایت استکبار یعنی منصور هادی مبارزه نظامی می‌کند و قطعاً تحولات فعلی یمن بدون در نظر گرفتن نقش، جایگاه و نفوذ مردمی این جنبش قابل حل نخواهد بود.

نتیجه‌گیری:

باید دانست برای عصر، دوره‌ای و مقطعی در یک جامعه سیاسی و اجتماعی یک گفتمان ویژه وجود دارد که منعکس‌کننده ویژگی‌های ساختاری و اندیشه‌ای حاکم بر فرد و جامعه است و اساساً معنای پدیده‌های اجتماعی و سیاسی در چارچوب گفتمان‌ها پدید می‌آید. میشل فوکو بر این اعتقاد است که هر زمانی گفتمان ویژه خود را دارد و هر حادثه‌ای در درون گفتمان خودش قابل تحلیل است. گفتمان پدیدآمده در هر مقطع زمانی نسبتی با کلیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارد.

موفقیت‌های روزافزون گروه مقاومت در خاورمیانه در مواردی همچون به بن‌بست رسیدن اهداف ژئوپلیتیک و استراتژیک غرب در منطقه در کشورهای عراق، افغانستان و سوریه، پیروزی‌های گروه‌های مقاومت و افکار همسو با آنان در رقابت‌های انتخاباتی در کشورهای افغانستان، عراق، سوریه و حتی لبنان و فلسطین و... نشان می‌دهد که جبهه مقاومت خود را به‌عنوان یک قدرت نوظهور در منطقه آماده می‌کند. از سوی دیگر

باید به زیر سؤال رفتن و تضعیف اهداف استراتژیک غرب و در رأس آن‌ها آمریکا در منطقه خاورمیانه اشاره کرد که با حرکت بیداری اسلامی ژئوپلیتیک قدرت منطقه به نفع جبهه مقاومت و به ضرر آمریکا در حال استمرار است.

نشانه‌هایی را که در گفتمان مقاومت مفصل‌بندی می‌شوند را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی کرد دسته اول نفی یا سلبی و دسته دوم اثباتی یا ایجابی است. در مرکز بعد سلبی گفتمان جبهه مقاومت اسلامی سلطه‌ستیزی قرار دارد؛ یعنی مهم‌ترین نشانه سلبی گفتمان مقاومت نفی سلطه و سلطه‌ستیزی است. نفی استکبار و استبدادستیزی وجه دیگر این بعد سلبی است. اما مهم‌ترین وجوه اثباتی و ایجابی گفتمان مقاومت که در مرکز این گفتمان قرار دارد عبارت است از عدالت‌خواهی، حق‌طلبی، صلح‌طلبی، عزت‌طلبی، اقتدار و استقلال، معنویت‌گرایی، حکمیت و معنویت‌گرایی و مصلحت‌گرایی.

در پاسخ به سؤال تحقیق می‌توان چنین گفت:

گفتمان جبهه مقاومت چگونه تبیین می‌شود و پیامدهای آن در خاورمیانه کدام‌اند؟

شرایط فعلی منطقه خاورمیانه حاکی از آن است که تلاش برای نشستن در جایگاه هژمون و گستراندن دال‌های مرکزی سبب شده تا گفتمان‌های غرب و جبهه مقاومت با یکدیگر در تضاد شدید قرار بگیرند. تحولات و اتفاق‌ها در کشورهای همچون بحرین، تونس، مصر، یمن، عراق نشان می‌دهد که برخی از دال‌های گفتمان مقاومت در این جریان به‌طور وسیعی مورد استفاده قرار گرفته و مأمنی برای افرادی بودند که از استبداد به تنگ آمده بودند. گفتمان مقاومت اسلامی هنوز در بسیاری از کشورهای خاورمیانه تعدادی از دال‌های شناور خود را معنادهی نکرده است و این دال‌های شناور در عرصه گسترده‌ای از بار معنایی شناور هستند که در صورت توجه به آنها می‌توان خاورمیانه را بر اساس گفتمان جبهه مقاومت اسلامی مدیریت و مهندسی کرد.

از وجوه اثباتی یا ایجابی نشانه‌های گفتمان مقاومت که توانسته در منطقه خاورمیانه تأثیرات مؤثری داشته باشد، می‌توان به صلح‌طلبی گفتمان اشاره کرد. گفتمان مقاومت ضمن تأکید بر ایستادگی در برابر نظام سلطه و استکبار خود را گفتمان صلح‌طلب معرفی کرده است. این گفتمان بیشترین تمرکز خود را در پدیده‌های بین‌المللی تأکید بر صلح‌طلبی و اجتناب از جنگ و خشونت قرار داده است. اسلام‌خواهی از نشانه‌های شاخص و دیگر وجوه اثباتی یا ایجابی مقاومت است. اسلامی‌خواهی گفتمان مقاومت تأکید بر آموزه‌های دین مبین اسلام دارد. بیشترین تمرکز این گفتمان بر اسلام‌گرایی و اسلام‌خواهی است. در اصل محور اصلی و مرکزی گفتمان مقاومت در واقع اسلام‌خواهی است که نشئت گرفته از احکام و آموزه‌های اسلام ناب محمدی(ص) است.

همان‌گونه که گفته شد بحران یک گفتمان زمانی آغاز می‌شود که از توضیح و تفسیر و ساماندهی جهان اجتماعی ناتوان شود. در چنین شرایطی رقیبان وارد میدان شده و برای ارائه اسطوره‌ای که بحران به وجود آمده را حل کند، رقابت می‌کنند. اگر گفتمانی بتواند خود را به‌عنوان ناجی شرایط بحرانی معرفی و اذهان اجتماعی را تسخیر کند، به‌عنوان گفتمان برتر، حاکم شده و جامعه را به شیوه خود سامان می‌دهد. در ادامه اگر توان پاسخ‌گویی به پیچیدگی‌های جامعه را از دست بدهد، از فضای استعاری و عام فاصله گرفته و متمایل به بخشی از جامعه می‌شود که همین مسئله سبب جابه‌جایی غیریت‌سازی‌ها و دشمنی‌ها از بیرون به درون گفتمان شده و موجب فروپاشی آن می‌شود.

با شکل‌گیری جبهه مقاومت در منطقه خاورمیانه با محور جمهوری اسلامی ایران و تولید نظریه‌های انقلابی توسط اندیشمندان آن، گفتمان مقاومت اسلامی هم در حال رشد و پیشرفت بوده؛ به‌گونه‌ای که قدرت تقابل آن با دیگر گفتمان‌های متخاصم اسلام ناب محمدی (صلی‌الله و علیه و آله و سلم) افزایش چشمگیری داشته و درصدد است تا خود را به‌عنوان ناجی شرایط نابسامان دولت‌ها و ملت‌ها، به‌ویژه ملت‌ها و دولت‌های جبهه مقاومت در منطقه غرب آسیا تثبیت کند.

در یک جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت گفتمان جبهه مقاومت در برابر ظلم، تجاوز و اشغالگری، دین‌ستیزی، سلطه استکبار و متحدان آنها شکل گرفته و هدفش حفظ حقوق، دفع ستم، رفع اشغال، حفظ استقلال، جلوگیری از سلطه و حفظ دارایی‌ها مطابق آموزه‌ها و احکام دین است. عدالت‌محوری، ظلم‌ستیزی، دفاع از مظلوم و نفی سلطه کفار، از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های آن است.

منابع و ماخذ:

۱. اردکانی، محمد و نجیب‌الله راستین دل (۱۳۹۶)، راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برقراری همگرایی در خاورمیانه و موانع آن، **رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، سال ۸، شماره ۳.
۲. برزگر، ابراهیم و همکاران (۱۴۰۰)، ریشه‌ها و پیامدهای امنیتی نفوذ رژیم صهیونیستی در خلیج فارس با تأکید بر نقش محوری محمد بن‌سلمان، **آفاق امنیت**، سال ۱۴، شماره ۵۲.
۳. بهروزلک، غلامرضا (۱۳۸۶)، **جهانی‌شدن و اسلام سیاسی در ایران**، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، **روابط بین‌الملل در اسلام**، قم، انتشارات اسراء.
۵. براون، ناتان و حمزوی، عمرو (۱۳۹۳)، **تعامل دین و سیاست اسلام‌گرایان در پارلمان‌های عربی**، ترجمه مهدی عوض پور و مصطفی اسماعیلی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۶. خضری، احسان و همکاران (۱۳۹۴)، ریشه‌یابی منازعات ایران و عربستان (مطالعه موردی سه کشور عراق، بحرین و یمن)، **تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، سال ۷، شماره ۲۳.
۷. دبیری مهر، امیر (۱۳۹۲)، **مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در خاورمیانه**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، پژوهشکده باقرالعلوم (ع).

۸. زینیوند، مصیب (۱۳۹۵)، بررسی بحران داخلی سوریه و تأثیر آن بر همبستگی محور مقاومت اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه حقوق و علوم سیاسی، یزد، دانشگاه یزد.
۹. سجادی، عبدالقلم (۱۳۸۷)، درآمدی بر اسلام و جهانی‌شدن، قم، انتشارات بوستان کتاب.
۱۰. سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴)، قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در مطبوعات، تهران، نشر نی.
۱۱. سلطانی، علی اصغر (۱۳۹۲)، قدرت، گفتمان و زبان، تهران، نشر نی.
۱۲. سوسور، فردیناند (۱۳۷۸)، دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه کوروش صفوی. تهران، انتشارات هرمس.
۱۳. شجاعی زند، علیرضا و قجری، حسینعلی (۱۳۸۷)، قابلیت‌های تحلیل گفتمان در بررسی پدیده‌های فرهنگی - اندیشه‌ای، پژوهشنامه متین، سال ۱۰، شماره ۴۰.
۱۴. شفیع، نوذر و احمد مرادی (۱۳۸۸)، تأثیر جنگ ۳۳ روزه لبنان بر موقعیت منطقه‌ای ایران. مطالعات سیاسی و بین‌المللی، سال ۱، شماره ۱.
۱۵. صالح اصفهانی، اصغر و همکاران (۱۳۹۹)، الگوی جبهه مقاومت از دیدگاه امام خامنه‌ای، مطالعات دفاعی استراتژیک، سال ۱۸، شماره ۸۲.
۱۶. عرب جونقانی، رسول (۱۳۹۶)، بررسی نقش بازیگران داخلی و خارجی در پیدایش، گسترش و تشدید بحران سوریه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، یزد، دانشگاه یزد.
۱۷. غفاری هشتجین، زاهد و صادقیان، هاجر (۱۳۹۱)، نقش جنبش‌های اسلامی در تقویت هویت اسلامی در عرصه جهانی‌شدن با تأکید بر جنبش اسلامی فلسطین، دانش سیاسی و بین‌الملل، سال ۱، شماره ۱.
۱۸. فروزان، یونس و عبدالرضا عالی‌شاهی (۱۳۹۸)، برساخت‌گرایی سیاسی در روابط عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران از پسابرداری اسلامی تا پسابرجام، آفاق امنیت، سال ۱۲، شماره ۴۳.

۱۹. قاسمی، فرهاد (۱۳۸۹)، مدل ژئوپلیتیکی امنیت منطقه‌ای: مطالعه موردی خاورمیانه، **ژئوپلیتیک**، سال ۶، شماره ۲.
۲۰. قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷)، ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی، **آفاق امنیت**، سال ۱۱، شماره ۳۸.
۲۱. قاسمی، بهزاد (۱۳۹۲) دولت ما و انقلاب‌های اجتماعی در نظریه اسکاچپول، **خردنامه**، شماره ۱۱.
۲۲. کاووسی، اسماعیل (۱۳۹۵)، مقایسه تطبیقی توسعه موفق و ناموفق در کشورهای در حال گذر. **فصلنامه چالش‌های جهان اسلام**، سال دوم شماره ۱.
۲۳. کسرابی، محمد سالار و علی پوزش شیرازی (۱۳۸۸)، نظریه گفتمان لاکلا و موف، ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی، **سیاست**، سال ۳۹، شماره ۳.
۲۴. مارش، دیوید و جری استوکر (۱۳۷۸)، **روش و نظریه در علوم سیاسی**، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
۲۵. شریفی، محمد و مریم دارابی منش (۱۳۹۲)، راهبرد کلان آمریکا و چرخش سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه، **پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال ۳، شماره ۳.
۲۶. مرادی، اسدالله و امیرمسعود شهرام نیا (۱۳۹۴)، بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، **پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال ۴، شماره ۱۵.
۲۷. میلتون ادواردز، مورلی و پیتر هینچ کلیف (۱۳۹۰)، **بحران در خاورمیانه از ۱۹۴۵ تاکنون**، ترجمه شهرزاد رستگار شریعت پناهی، تهران، قومس.
۲۸. مک داول، دیوید (۱۳۸۳)، **تاریخ معاصر کرد**، ترجمه ابراهیم یونسی. تهران، پانید.
۲۹. موسوی خوانساری، محمدباقر (۱۳۹۰ ه.ق.)، **روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات**، جلد ۴، قم، مکتبه اسماعیلیان.

۳۰. موفقیان، پرستو؛ احمدی، سیدعباس و عظیمی، یاسر (۱۳۹۱)، تحولات سوریه: بررسی و ارزیابی آرایش جغرافیایی نیروهای درونی و گرایش بیرونی آنها، **تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، سال ۱۲، شماره ۲۷.
۳۱. ناظمی اردکانی، مهدی و صفرعلی خالدیان (۱۳۹۷)، مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام، **مطالعات سیاسی جهان اسلام**، سال ۷، شماره ۲.
۳۲. یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۹۱)، **درآمدی به گفتمان شناسی**، تهران، انتشارات هرمس.
۳۳. یورگنس، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۹۲)، **نظریه و روش در تحلیل گفتمان**، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
۳۴. مطهرنیا، مهدی (۱۳۹۳)، اثرگذاری محور مقاومت، سوریه و حزب‌الله. **منافع آمریکا در خاورمیانه، فصلنامه سیاست دفاعی**، دوره ۲۲، شماره ۸۶.
۳۵. مهدی پور، آسیه (۱۴۰۱)، **تحلیل مضمون جهاد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۲۵.

انگلیسی

36. Alishah, A, Hosseinpour, Z (2022), The Social and Cultural Functions of the Lebanese Hezbollah Movement; Its Roots and Achievements, **Journal of Cultural and Social Anthropology**, 2(1).
37. Alishahi, A (2019), **Politics and Governance in the Middle East in Post ISIS: Structures of power and politics in the Islamic world after the decline of ISIS with emphasis on Iraq and Saudi Arabia**, Berlin: Scholars' Press.
38. Kim, M (2020), Saussure and the Political Potential of Language, **Journal of Melintas**, 36(1).

39. Kutay, A (2022), Neoliberalism incites but also restrains revolutionary change in the Third World – why articulating multiple struggles is necessary to confront structures of domination, **Journal of Globalization**, 19(7).

